

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

اورا در امور دین دانشمند می سازد"

فقه اسلامی

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُقْدَةَ

مَنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي."

اگست 2021

ذوالحجّة

شماره دو صد هشتاد و هفتم

اسلامی بود ، مبارزات سیاسی به قتال بین مسلمین انجامید و سبب منع رسیدن مسلمانان به منطقه مشاعر برای اداء حج شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

تعطیل مراسم حج

در مراحل تاریخ

اولین مبارزه و مشکلات در تاریخ بین اموی ها و زیدی ها در آغاز سال هفتاد قرن اول هجری بود ، به دلیل مبارزه و مشکلات سیاسی و قتال ، مردم مکه به زعامت عبدالله بن الزبیر (693/73) چنانکه مؤرخ بزرگ طبری (923/ 320) در کتاب خود می گوید نتوانستم حج کنند. و حجاج الثقفی (714/95) با مردم در این سال در حالیکه ابن الزبیر در مکه مکرمه محاصره بود حج کرد. و در همین سال صحابه حج نکردند و در میدان عرفه ایستاده نشدند.

امسال ، مانند دو سال قبل حکومت عربستان سعودی به دلیل ویروس کورونا از استقبال حجاج از خارج کشور عربستان سعودی معذرت خواست و امام برای تعداد محدود از مسلمانان مقیم در عربستان سعودی اجازه داد تا مراسم حج را انجام دهند ، به دلیل اینکه شعائر و مراسم حج توقف نکند.

زمانیکه علوی ها در حجاز و بصره بقیادت محمد بن عبدالله بن الحسن معروف به (النفس الزکیه) (763/145) و برادرش ابراهیم (763/145) قیام نمودند ، انقلاب شان به مصر و شام و دیگر مناطق اسلامی سرایت نمود و سبب قتال ، والی مصر از طرف عباسی ها یزید بن حاتم المهلبی الأزدی (786/170) مردم را از رفتن به حج منع کرد و در همین سال یکنفر از مصر و نه از شام به حج رفتند ، و دلیل مشکلات شورشی بود که اولاده الحسن علیه

ویروس کورونا ، اولین سبب و دلیل برای توقف مراسم حج در تاریخ نیست ، در تاریخ اسلامی ، مراسم حج چندین مرتبه به دلایل سیاسی و اجتماعی و امنی و نبود آب توقف کرده بود . در این شماره ، واقعات سیاسی و تاریخی که مانع اشتراک مسلمانان در مراسم حج شده بود بصورت خلاصه آورده میشود.

اول : مشکلات سیاسی و مبارزه برای حفظ عرش و سلطه سیاسی : اولین و مهمترین اسباب که سبب تعطیل شعائر حج بطور کلی و یا جزئی شده ، مبارزه سیاسی در منطقه حجاز و در قلب مکه مکرم و اقالیم دیگر در جهان

از مصر چنانکه مؤرخ بزرگ المقریزی در کتاب خود بنام (اتعاظ الحنفا) می آورده حج نرفتند.

در سال 407 هجری / 1017 میلادی ، مردم از خراسان و عراق حج نکردند ، چنانکه ابن الجوزی نقل میکند و می گوید به سبب مبارزه برای گرفتن سلطه بین بویهی ها و بین سلطان الدوله ابی شجاع (415 / 1025) و برادرش قوام الدوله ابی الفوارس (419 / 1029).

مبارزات و مشکلات سلجوقی ها / غزنوی ها برای تسلط مناطق وسط آسیا و ایران ، باضافه از مشکلات داخلی در مصر و شام و مخالفت ها بین وزراء در اداره فاطمی ها سبب شد ک در سال 430 هجری/ 1039 ، مراسم حج توقف کند . ابن الجوزی می گوید که در این سال شهروندان خراسان و عراق و مصر و شام که اکثریت حجاج را تشکیل می دادند حج نکردند.

بعد از وفات سلطان ملک شاه سلجوقی سال 485 هجری / 1093 میلادی ، خانواده سلجوقی برای گرفتن قدرت با یکدیگر داخل جنگ شدند ، نزاع بین افراد خانواده ای سلجوقی سبب شد تا مردم از رفتن به حج امتناع ورزند و آنانکه برای حج رفتند در طول راه مورد هجوم دزدان قرار گرفتند.

در سال 486 هجری / 1094 میلادی،الذهبی (1348/748) نقل قول می کند که مردم عراق همراه با قافله عراق حج نرفتند و قافله شام به طرف حجاز حرکت کرد اما صاحب مکة محمد بن ابی هاشم بالای حجاج شام حمله کرد و یک تعداد از آنها به سلامت در یک حالت عجیب برگشتند . این واقعه را الذهبی (1348/748) در کتاب خود بنام (العبر) می آورد.

عباسی ها براه انداخته بودند ، چنانکه ابن تغری بردی (1470/874) در کتاب خود بنام (النجوم الزاهرة) آورده است.

ابن الجوزی (1200/597) در تاریخ خود بنام (المنتظم) به سلسله واقعات که سبب انقطاع حج از جهت عراق و اطراف خراسان و آسیا مرکزی شد و برای چند سال ادامه یافت و سبب بی نظمی در مرکز خلافت عباسی در بغداد گردید و بویهی ها و بعداً سلجوقی ها قوت بیشتر کسب نمودند.

در سال 401 هجری / 1011 میلادی، هیچکس از عراق به دو سبب حج کرده نتوانست : اول ، بی نظمی اوضاع امنیتی به سبب خروج علیه عباسی ها از جانب والی موصل قرواش بن مقلد العقیلی (1053/441) و بعیت او از خلیفه فاطمی الحاکم بامر الله (1021/411) ، چنانکه عقیف الدین الیافعی (1367 / 768) در کتاب خود بنام (فی مرآة الجنان) به تفصیل می آورد و می نویسد که هیچیک از عراق به سبب فساد وقت حج نکرد.

سبب دوم ، جریان سیل بزرگ در نهر دجله بود که قریه ها و قلعه ها منهدم شد ، ابن الجوزی در کتاب اش بنام (المنتظم) این حادثه را می آورد و مؤرخ ابن الاثیر (1233/630) در کتاب خود بنام (الکامل) می نویسد که نهر دجله 21 متر ارتفاع یافت و تعداد زیاد از مردم در بغداد و العراق غرق شدند و هیچک از عراق در این سال حج کرده نتوانست.

در سال 401 هجری / 1011 میلادی ، به سبب بی امنی و مشکلات داخلی بین فاطمی ها و امیر فلسطین حسان بن الجراح (1025/415) ، حسان از اطاعت فاطمی ها خارج و به اشراف حجاز بیعت کرد ، در این سال هیچکس

(1219/615)، اولاده سلطان صلاح الدین برای رسیدن به قدرت با هم داخل جنگ شدند و جنگ بین شان در سالهای 624 - 627 هجری / 1228-1231 میلادی دوام کرد و مردم شام از ترس جان چنانکه ابن کثیر در حوادث سال 627 هجری / 1231 میلادی می نویسد هیچیک از مردم شام در سه سال متوالی حج کرده نتوانستند.

بعد از شکست صلیبی ها در دمیاط، مصر در سال 647 هجری / 1250 میلادی توسط ممالیک سبب آن شد تا قدرت ممالیک نسبت به زعمای شان یعنی ایوبی ها بیشتر شود، در اثر جنگها بین دو طرف وضعیت امنیتی مصر و شام خراب گردید و در سال 648 هجری / 1251 میلادی مردم شام و مصر چنانکه مؤرخ ابن تغری در (النجوم الزاهرة) می نویسد حج کرده نتوانستند.

در زمان جنگها داخلی بین سلطان مخلوع الناصر محمد بن قلاوون و سلطان المظفر بیبرس، در سال 709 هجری / 1310 میلادی هیچیک از اهل شام چنانکه ابن تغری می آورد حج کرده نتوانستند.

مشروعیت حکم:

عباسی ها بعد استقرار و تسلط در اکثر جهان اسلام و بعد از سقوط دولت اموی در سال 132 هجری / 750 میلادی، اداره حرمین شرفین را بدست گرفتند و مشروعیت حکم خود را از این دو مرکز بزرگ اسلامی بدست آوردند. در اواخر قرن سوم هجری عباسی ها قوت مرکزی خود را از دست دادند و علوی ها از آغاز قرن چهارم کوشش کردند اداره مکه و مدینه را بدست آورند تا بتوانند مشروعیت عباسی را زیرسؤال بیاورند. نقش علوی ها بعد از سیطرت بویهیی ها که از شیعه زیدی بودند بالای

ابن کثیر (1373/774) در کتاب اش بنام (البدایة و النهایة) از مبارزه و جنگ بین شیعه و سنی و انتشار فتنه بین این دو گروه در سال 441 هجری / 1050 میلادی می نویسد که هیچیک از اهل عراق حج نرفتند.

در نتیجه ضعف سلطه مرکزی دولت عباسی در عراق، قبائل عربی در شمال و جنوب حکومت های محلی را تشکیل دادند مثل امارت المزیدیة (388-998/558-1163)، مشهورترین امیران آن بنام دبیس بن علی الأسدی (1082/474) بود. ابن کثیر می گوید که المزیدیة اماکن زیاد را به آتش زدند و هیچیک از اهل عراق حج کرده نتوانستند. و ابن الجوزی (1256/654) در (مرأة الزمان) می نویسد که دبیس بن علی الاسدی جانب فاطمی را گرفت و معتقد به آراء باطنی شد.

دراثر مبارزه بین ایوبی ها و فاطمی ها و کوشش های اسدالدین شیرکوه (1169/564) و برادرزاده اش صلاح الدین ایوبی (1193/589) برای تسخیر و فتح مصر به امر نورالدین زنکی (1173/569)، سبب آن شد تا مصری ها نتوانند در دو سال حج کنند. عبدالقادر الجزری (1570/977) در کتابش (الدرر القرائد المنظمة فی أخبار الحاج و طریق مكة المعظمة) می نویسد که تجار مکه چیزی بفروش رسانده نتوانستند به دلیل اینکه حجاج مصر به دلیل جنگ به مکه نیامدند. الذهبی در (تاریخ الإسلام) می نویسد که در سال 563 هجری / 1170 میلادی، هیچیک از مصری ها و سلطان شان به سبب جنگ حج کرده نتوانستند.

حوادث که در شام واقع شد، صلیبی ها مناطق ساحلی و فلسطین را در سال 492 هجری / 1099 میلادی تصرف کردند و بعد از آن زنکی ها و ایوبی ها بالای شام تسلط یافتند. در عصر ضعف قوت ایوبی ها بعد از وفات سلطان صلاح الدین ایوبی و برادرش ملقب به العادل

مؤرخ مکه عبدالملک العصامی (1700/1111) در (سمط النجوم العوالی) می نویسد که قتال بین طرفین در سال 653 هجری / 1255 میلادی در داخل مکه واقع شد و خونریزی در داخل حرم شریف صورت گرفت و در ایام حج بین امیر حج عراق در داخل حرم قتال صورت گرفت و در سال 655 / 1257 هیچکس حج کرده نتوانست.

سابقه خطرناک

در سال (278-398 هجری / 892-1008 میلادی) در ربع اخیر قرن سوم هجری قرامطه باطنی در جنوب عراق ظهور کرد، و بزودی مرکز سیاسی برای خود ساختند و قریه هجر را که در منطقه شرقی عربستان امروزی موقعیت داشت مرکز حکم انتخاب کردند، و از آن جا شروع به حمله بر مناطق تحت تصرف عباسی ها در جنوب عراق نمودند.

الذهبی در (العبر) می گوید که در سال 314 / 927، هیچکس از عراق از ترس قرامطه حج نکرد، تقی الدین الفاسی می نویسد که برای سه سال از عراق هیچکس برای حج نرفت.

در سال 317 هجری / 930 میلادی، قرامطه بالای مکه مکرمه حمله کردند و شدیدترین کشتار در تاریخ اسلام را مرتکب شدند. الذهبی می گوید قرامطه سی هزار را به قتل رسانیدند که در بین شان زنان و اطفال نیز بود.

قرامطه در این حمله باب کعبه را تخریب و حجر اسود را با خود بردند و در سال 339 / 950، بعد از مداخله فاطمی ها حجر اسود را برگشتاندند. ابن خلدون در کتاب تاریخش (فی تاریخه) می نویسد

بغداد مرکز خلافت عباسی در سال 334 هجری / 945 میلادی (بیشتر شد).

بعد از تسلط فاطمی، شیعه اسماعیلی، بالای مصر سال 358 هجری / 969 میلادی، و بعد از دو سال تسلط شان بالای شام، مبارزه بین قاهره و بغداد برای تسلط حرمین شریفین شدت بیشتر یافت، به دلیل اینکه تسلط بالای حرمین شریفین بزرگترین مشروعیت دینی برای خلافت مسلمین بود.

مبارزه علوی ها با عباسی ها برای گرفتن اداره مکه مکرمه و مدینه منوره سبب آن شد که عباسی های کوشش بیشتر برای حفظ مقدسات اسلامی کنند با اینکه فاطمی از ناحیه نظامی و اقتصادی نسبت به عباسی ها در این مرحله از تاریخ قویتر بودند و همپیمانان شان بویهی ها قوت بیشتر یافتند و قدرت را در عراق بدست گرفتند.

الفاسی (832 / 1429) در (شفاء الغرام باخبار البلاد الحرام) می نویسد که در سال 371 / 982 به دلیل فتنه بین عراقی ها و مصری ها یعنی عباسی ها و فاطمی مردم حج کرده نتوانستند.

مؤرخ الجزری می نویسد که در سال 512 هجری / 1118 میلادی، امیر مکه قاسم بن ابی هاشم الحسنی قوای بحریه را امر نمود تا بندر مصری را حمله و کشتی های تجار را به غارت برد. وزیر فاطمی افضل الجمالی برای انتقام از امیر مکه در سال 514 هجری / 1120 میلادی مردم را از رفتن به حج منع کرد و کمک های که برای حجاز از جانب مصر میرفت ممنوع ساخت.

در مکه مکرمه جنگها برای گرفتن قدرت بین اشراف مکه و سلطان یمن المظفر الرسولی (694 / 1295) واقع شد و چندین بار حج توقف کرد.

که در سال 930/317 ، حج به سبب قرامطه تعطیل شد.

تسخیر کرد و بعدا عراق را و تمام عمران را به آتش و تخریب نمود. المقریزی (1441/845) در کتاب خود بنام (السلوک) می نویسد که در سال 804 هجری / 1401 میلادی هیچ کس از شام و عراق و یمن حج نکردند. شاه رخ چند سال عراق و شام و یمن را تهدید کرد و در اثر تهدیدات او حج توقف یافت.

امنیت :

در نتیجه جنگها ؛ امنیت راه نیز منهدم شد و مردم از ترس و خوف نتوانستند حج روند.

جنايات قرامطه در حرم شريف سبب شد که چند سال حج توقف کند. ابن الجوزي می نویسد از سال 317 تا 326 از ترس قرامطه هیچکس به حج نرفت.

در سال 613 هجری / 1218 میلادی ، مغول ها از شمال چین در منگولیا ، بالای دولت خوارزمی در ترکستان و وسط آسیا حمله کردند و بزودی ایران را عبور و بالای خلافت عباسی در عراق حمله نمودند.

نبود آب : نبود آب در راه مکه سبب دیگری در بین اسباب که ذکر شد ، مانع رفتن و تعطیل مراسم حج شد. ابن سعد (845/230) در (الطبقات الکبری) می نویسد که خلیفه عباسی المهدی (786/169) برای اداء حج از بغداد حرکت کرد ، اما نسبت کمبود آب از راه برگشت و به حج نرفت. قرنها به دلیل کمبود آب در صحراء عرب ، حج تعطیل شد.

رسیدن مغول سبب شد که قافله های حجاج از منطقه خراسان برای سالها به حج نیاید. المقدسی (1277/665) در کتاب اش بنام (الذیل علی الروضتین) می نویسد که در این سال هیچکس از خوف تترار حج نکرد.

الذهبی در (العبر) می نویسد که در سال 974/363 مردم عراق به سبب کمبود آب حج کرده نتوانستند .
الذهبی همچنان در (تاریخ الإسلام) می نویسد که در سال 406 هجری / 1016 میلادی ، خبر به بغداد رسید که از بین بیست هزار حاجی در نتیجه نبودن آب ، شش هزار آن به هلاکت رسیدند و در سال 504 هجری / 1110 میلادی حجاج خراسان که به بغداد رسیده بودند به دلیل نبود آب حج نرفتند.

در سال 1221/618 ، از بلاد عجم و همذان و اصفهان از ترس تترار به حج نرفتند. امام ابن کثیر می نویسد که بعد از این سال (1231/628) در نتیجه جنگها و ترس تترار هیچیک به حج رفته نتوانست.

در اوائل سال 656 هجری / 1258 میلادی مغول ها خلافت عباسی را سقوط داد و عراق و بعد از یکسال شام را اشغال کردند. بعد از سقوط خلافت عباسی و اشغال عراق مدت ده سال قافله حج عراق معطل شد.

بعد از اینکه مغول ها مسلمان شدند ، جنگها بین زعماء مغول برای گرفتن قدرت سبب تعطیل حج گردید.

ضرورت تعطیل حج : عدم امنیت در طریق مکه و نبود آب ، در مذهب حنفی چنانکه امام الکاسانی (1191 / 586) در بدائع الصنائع ، می نویسد شرایط واجب بودن حج امنیت راه نیز است مانند غذاء و وسیله.

از نسل ایلخان مغول ، تیموریان مغول در وسط آسیا دولت خود را تأسیس کردند و سمرقند را مرکز حکومت خود انتخاب کردند. تیور لنگ (1405 / 807) شام را

مدت سفر تا عودت به منزل و آغاز دو باره زندگی به هیچ مشکل اقتصادی مواجه نگردد، زاد و راحله بمنظور حج به هیچصورت احتیاجات اساسی و مصارف ضروری زندگانی فامیلی و کار و بزنس وی را اخلاص نکند، بل این زاد و راحله باید علاوه بر تمام آن مصارف و احتیاجات باشد، و نیز زاد و راحله باید زائد بر دیون و قروضی باشد که قاصد حج مکلف به تادیه آنست، یعنی شخص مدیون تا وقتیکه دین ذمه خود را ادا نه نموده و یا دارائی کافی و آماده تادیه در مقابل دین نداشته باشد حج بروی فرض نیست و زاد و راحله حج باید اضافه از احتیاجات اصلی و اضافه از دیون باشد.

چنانکه در باب حج دین مانع سفر می گردد، در باب زکات نیز وجود دین بر ذمه شخص مانع وجوب زکات میگردد، البته در مورد حج تأمین زاد و راحله بر علاوه احتیاجات اصلی و دیون شرط است، و در رابطه با زکات دارائی شخص باید بر علاوه احتیاجات اصلی و دیون به نصاب زکات برسد و یکسال قمری کامل بر آن سپری گردد. شرح نصاب زکات در فقه اسلامی توضیح یافته و در دارائی نقدی به اساس ارزش طلا و نقره (دینار و درهم) محاسبه می شود، دینار و درهم در آغاز اسلام در قلمرو امپراطوری های روم و فارس مدار تعامل اقتصادی بود و در ساحة اسلامی نیز اعتبار داده می شد. نصاب زکات در طلا یا دینار مساوی بیست مثقال طلا و یا بیست دینار و در نقره مساوی دو صد درهم است (وزن یک دینار = 25، 4 ضرب 20 = 85 گرام - وزن یک درهم = 97، 2 گرام ضرب 200 = 595 گرام).

زکات دارائی نقدی به همین معیار محاسبه میگردد و مقدار زکات 5، 2 فیصد بعد از رسیدن به نصاب

شیخ ابا الولید (ابن رشد الجد، 520 هجری / 1126 میلادی، فتوا به سقوط حج از مردم اندلس داد. و الطرطوشی (1126/520) فتوا داد که رفتن حج برای مردم مغرب حرمت دارد. دلیل فتوا عدم امنیت در طریق و نبود آب آشامدنی.

المصدر: الجزیره

پروفسور دکتر عبدالستار سیرت جواب میدهد:

- 1 - کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد حج کرده می تواند؟
- 2 - از پول کمکی که ماهانه شخص می گیرد حج کرده می تواند؟

1 - فریضه حج رکن پنجم اسلام در نصوص قرآن کریم و احادیث قولی و فعلی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ثابت گردیده، خداوند (عز و جل) در آیه کریمه (97) سورة آل عمران میفرماید: { و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا * } و حج خانه خدا بر مردم و کسانی که توان رسیدن به آن را داشته باشند فرض الهی است.

از رسول الله صلی الله علیه وسلم مفهوم کلمه (سبیل) و مراد (استطاعت سبیل) پرسیده شد، فرمودند: (الزاد و الراحلة - زاد و راحله) کلمه راحله کنایه از مصارف رفت و آمد سفر (هوائی، بحری، زمینی) از محل اقامت حاج تا مکه مکرمه و بازگشت از آن، و کلمه زاد عبارت از تمام مصارف اقامت و کرایه منزل و انتقالات در خلال مدت مسافرت به منظور ادای حج است.

توانائی بزاد و راحله مشروط به آنست که قاصد حج تمام مصارف و احتیاجات اساسی فامیل خود را با مصارف ضروری مربوط به کار و بزنس و اسباب و لوازم زندگی خود و فامیلش تأمین نموده باشد و در

با دیون معجل و مؤجل در معاملات مدنی و تجارتي سابق فرق دارد، دائن در معاملات خرید منزل غالباً بانک است و بانک قبل از معامله قرض امکانات تادیه اقساط را با کریدت خریدار خانه تحقیق می کند و ازین لحاظ مطمئن می شود، و نیز مدت اقساط چنین قرضه ها به سالهای متمادی تا حدود سی سال میرسد و عواقب تأخیر اقساط و یا عدم امکان تادیه اقساط نیز در قوانین و مقررات و قرار داد های مربوط تنظیم شده است. چنین معامله قرض بیرون از چوکات مقررات و قرار داد هیچگاه مانع تصرفات حقوقی و آزادی مدنی شخص مدیون نمی شود و معقول نیست که مدیون در خلال سی سال سفر نکند و وجائب دینی و مدنی او کاملاً وابسته به همین قرضه باشد.

شخص که خانه خریده و قسط می پردازد به ارتباط زکات، اقساط یکساله این قرضه ضم احتیاجات و ضرورت های اساسی سالانه او شده و مقدار نصاب زکات بر علاوه این اقساط محاسبه میگردد، و چون زکات دارائی نقدی یک وجیبه دینی سالانه است اقساط یک سال از استحقاق زکات خارج شده و در متباقی دارائی اضافی در صورت رسیدن به نصاب و گذشتن یک سال زکات میدهد.

به ارتباط حج شخص مدیون به قرضه خانه می تواند اقساط مربوط به مدت رفت و آمد سفر حج و تنظیم امور مالی و اقتصادی خود را قبل از تأمین زاد و راحله حج ضم احتیاجات اصلی و ضرورت های اقتصادی خود بسازد، و هرگاه بر علاوه آن، زاد و راحله (مصارف حج) میسر گردد و سفر حج موجب تأخیر اقساط و اخلاص ضرورت های اقتصادی در همان مدت حج و در خلال همان سال معین نگردد، شخص می تواند فریضه حج را ادا نماید و چنانکه در

بر علاوه احتیاجات اصلی یکساله و ادای دیون می باشد، البته نصاب زکات در مواشی و حیوانات و تولیدات زراعتی فرق میکند و شرح آن در کتب فقهی مذاهب مختلفه اسلامی وجود دارد.

قرض و دین که در حج و زکات هر دو مانع وجوب میگردد، دو نوع قرض و دین است، یکی معجل و دیگری مؤجل، نظر عمومی فقهاء در آنست که هر دو نوع قرض و دین مانع زکات و حج می باشد و تا وقتیکه شخص دین فوری یا مهلت دار خود را ادا نکرده باشد و لو در زکات بالاتر از نصاب و در حج بالاتر از زاد و راحله داشته باشد زکات و حج بروی فرض نیست.

اما برخی از فقهاء میان دین معجل و مؤجل فرق می گذارند و دین مؤجل را به قیاس مهر مؤجل در عقد نکاح مانع زکات نمیدانند (یکی از دو نظر امام شافعی، رحمة الله علیه، مذهب امام احمد بن حنبل، رحمة الله علیه، المغنی، ابن قدامه جلد 3).

به ارتباط حج امکان قیاس آن به زکات در عدم ممانعت وجوب حج به سبب دین مؤجل وجود دارد، و علاوه بر آن در مذهب حنفی ذکر شده است که: شخص مدیون نباید بمنظور حج سفر کند مگر در صورتیکه دائن و یا کفیل دائن و یا هر دو بوی اجازه سفر بدهند و سفر او را خطر از بین رفتن دین و یا به ضرر دین ندانند، در آنصورت اجازه دارد که با وجود مدیون بودن به حج سفر کند و وجود دین با اجازه دائن مانع وجوب حج نمی شود (فتح القدیر، کتاب الحج جلد 2).

اکنون در روشنی این بحث سؤال (کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد، حج کرده می تواند؟) قابل طرح است و میتوان پاسخ آنرا جستجو نمود:

خرید خانه به اقساط طولانی در حالیکه معامله با قرض گفته می شود و صاحب خانه مدیون است، اما این دین

مقدار پول باید دیده شود که بچه اندازه است. آیا در سطح تکافوی زندگی اقتصادی یکساله شخص و فامیل او است یا بالاتر از آن، هرگاه در حدود ضروریات و احتیاجات یکساله باشد و بالاتر از آن تا حد نصاب اضافه نگردد، در آنصورت زکات واجب نمیشود، اما این مقدار پول بحدی باشد که تمام ضرورت یکساله را تکافو کند و مقدار اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال هم بدون احتیاج بر آن بگذرد، در آنصورت زکات لازم می‌گردد.

صفحه ای از تاریخ معاصر افغانستان

1900 — 1930

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 591 صفحه برای مطالعه شما آماده است. شما میتوانید کتاب را از آدرس فقه اسلامی بدست آورید. قیمت کتاب \$25 و قیمت پست برای امریکا \$5 میباشد. نظر به قیمت گزاف پستی از فرستادن کتاب به اروپا بصورت انفرادی معذرت میخواهیم. *

از دواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق در 380 صفحه برای مطالعه شما آماده است. قیمت کتاب: \$25، مصارف پستی \$5.

Fazl Ghni Mogaddedi

201 Washington Blvd # 104

Fremont, ca 94539

U.S.A

Tel (510) 979-9489

WhatsApp (510)673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

aamo-usa.com

مورد زکات گفته شد تادیه این اقساط نباید تا مدت سی سال یا کمتر و زیادتیر مانع سفر و وجائب دینی و مدنی شخص گردد.

2 - از پول کمکی که ماهانه شخص می‌گیرد حج می‌تواند؟

پول کمکی که به صورت ماهانه مطابق قوانین توزیع میگردد مانند معاش تقاعدی و برخی از امتیازات مادی، از قبیل (کمک از مؤسسات اجتماعی دولتی) بعد از قبض آن توسط شخص در ملکیت او داخل می‌شود و مالک صلاحیت تصرف کامل را در آن میابد (در صورتیکه کمک مشروع و مطابق استحقاق بدست آمده باشد و مال حرام گفته نشود)، اگر این مبلغ متناسب به احتیاجات اساسی شخص و فامیل او باشد و فقط زندگانی اقتصادی او را تکافو نماید در آنصورت نه زکات و نه حج هیچکدام بروی فرض نیست، اما اگر این مبلغ با عوائد دیگری که شخص از طریق کار و غیره دارد از سطح ضرورت و احتیاج اصلی و فامیلی او اضافه تر گردد، در صورتیکه مبلغ اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال بر آن بگذرد و یا مبلغ اضافی زائد از احتیاج، زاد و راحله حج را به آسانی تأمین نماید در اینصورت هم زکات و هم حج لازم میگردد.

3 - شخصی که یک مقدار پول دارد و کار کرده نمیتواند و از پول خود حاصل نمی‌گیرد، زکات بدهد یا خیر؟

شخصی که یک اندازه پول دارد (البته باید حلال باشد چه در پول حرام زکات نیست) در حالیکه در شرائط زکات خصوصیت افزایش اموال در نظر گرفته شده و اگر مال قابلیت افزایش را داشته باشد و لوکه عملانظر گرفته شده و اگر مال قابلیت افزایش را داشته باشد و لو که عملا افزودی نیابد شامل اموال زکات میگردد، اما